اخبار

قیمت مرغ ناگهان ریزش کرد

کاهش ۴۰ هزار تومانی مرغ در بازار

دبیر انجمن کشتارگاه و صنایع بسته بندی طیور از کاهش ۴۰ هزار تومانی مرغ در بازار خبر داد.

باشگاه خبرنگاران- دبیر انجمن کشتارگاه و صنایع بسته بندی طیور از کاهش قیمت مرغ در بازار خبر داد و گفت: با توجه به نبود تقاضا، قیمت مرغ نسبت به هفته قبل ۴۰ هزار تومان کاهش داشته است. مهدی یوسف خانی دبیر انجمن کشتارگاه و صنایع بسته بندی طیور از کاهش قیمت مرغ خبر داد و گفت: قیمت کنونی هر کیلو مرغ زنده ۲۱۰ هزار تومان و مرغ گرم ۳۳۰ تا ۳۴۰ هزار تومان است. وی قیمت هر کیلو ران مرغ را ۳۴۰ تا ۳۵۰ هزار تومان، سینه ۶۰۰ هزار تومان و فیله مرغ ۷۰۰هزار تومان اعلام کرد. یوسف خانی ادامه داد: با توجه به کاهش تقاضا، قیمت هر کیلو مرغ زنده نسبت به هفته قبل ۳۰ هزار تومان و مرغ گرم ۴۰ هزار تومان افت داشته است. دبیر انجمن کشتارگاه و صنایع بسته بندی طیور با اشاره به آینده بازار مرغ در ایام محرم بیان کرد: با توجه به کاهش مصرف مرغ در ایام محرم پیش بینی می‌شود که نوسانی در بازار رخ ندهد.

عملیاتی کم نظیر در شرکت نفت و گاز مسجدسلیمان

ایمن سازی چاه ۱۰۰ ساله بدون دکل انجام شد

اجرای موفق این مأموریت بدون استفاده از دکل، نشان‌دهنده اشراف فنی، آمادگی عملیاتی و هماهنگی مثال‌زدنی مجموعه‌های درگیر در این پروژه است.

یک عملیات حساس، پیچیده و کم‌نظیر در یکی از چاه‌های قدیمی و تاریخی مسجدسلیمان با موفقیت و بدون نیاز به دکل حفاری به انجام رسید؛ عملیاتی که بار دیگر توان بالای متخصصان این شرکت در مدیریت شرایط سخت و پرریسک را به نمایش گذاشت. این چاه که در سال ۱۳۰۲ حفاری و در سال ۱۳۰۳ به‌عنوان چاه تزریقی تکمیل شده، اکنون برای تزریق مایعات گازی و مواد زائد فرآیند جذب آب از گاز استحصالی چاه‌های گازی ژوراسیک مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. با توجه به نشت داخلی شیرهای اصلی بالا و پایین چاه و پس از چندین مرحله تلاش گروه‌های خدمات فنی چاه‌ها و خدمات بهره‌برداری برای رفع اشکال، موضوع در برنامه ایمن‌سازی قرار گرفت. در ادامه، این عملیات در شرایطی انجام شد که چاه همچنان زنده بود و به دلیل نشتی داخلی شیرآلات، ضریب ایمنی مناسب وجود نداشت. با این حال، تیم‌های تخصصی با اجرای دقیق مراحل فنی از جمله کشته شدن چاه، ایجاد HOT TOP بر روی شیر اصلی پایینی با وجود فشار و غلظت بالای گاز H_2S، تعویض تاج چاه از بالای شیر اصلی پایینی و نصب شیر اضافه، این مأموریت دشوار را با موفقیت کامل به پایان رساندند. بر اساس این گزارش، میزان هیدروژن سولفوره این چاه ۳۶ هزار قسمت در میلیون بوده و همین موضوع، حساسیت و پیچیدگی عملیات را دوچندان کرده بود.

با وجود این شرایط، اجرای موفق این مأموریت بدون استفاده از دکل، نشان‌دهنده اشراف فنی، آمادگی عملیاتی و هماهنگی مثال‌زدنی مجموعه‌های درگیر در این پروژه است. این عملیات با تلاش و همکاری گروه‌های کنترل فوران چاه‌ها، خدمات فنی چاه‌ها، مهندسی بهره‌برداری و ترابری ستاد شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، شرکت خدمات‌دهنده پمپ‌تراک و همچنین واحدهای HSE، نگهداری و تعمیرات خطوط لوله، خدمات چاه‌ها، ترابری، عملیات بهره‌برداری و مهندسی بهره‌برداری شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان انجام شد؛ اقدامی که می‌توان آن را نمونه‌ای روشن از تجربه، جسارت فنی و توان راهبردی در مواجهه با عملیات‌های پیچیده و پرخطر صنعت نفت دانست.

مسیر انتظارات بازار تغییر کرد

نجات اقتصاد فراتر از توافق

«خبر توافق» در اقتصاد ایران بیش از آنکه یک شوک واقعی باشد، از مسیر انتظارات بر بازار ارز و رفتار فعالان اقتصادی اثر می‌گذارد. او تأکید می‌کند پایداری هر گشایش خارجی، بدون اصلاحات ساختاری داخلی، محدود خواهد بود و نرخ ارز همچنان لنگر اصلی انتظارات تورمی باقی می‌ماند.

در اقتصاد ایران تجربه دوره‌های گذشته نشان می‌دهد که «خبر توافق» یا انتشار سیگنال‌های معتبر از پیشرفت در مذاکرات ابتدا از طریق کانال انتظارات بر رفتار عاملان اقتصادی اثر می‌گذارد

امضای تفاهم‌نامه ۱۴ بندی میان ایران و آمریکا توسط مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ، مهم‌ترین تحول سیاسی و اقتصادی دو سه روز اخیر به شمار می‌رود؛ توافقی که از نگاه بسیاری از تحلیلگران می‌تواند بر انتظارات فعالان اقتصادی، بازار ارز، تورم و چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در ایران اثرگذار باشد.

انتشار تصاویر امضای همزمان این تفاهم‌نامه در تهران و کاخ ورسای فرانسه نیز نشان داد که متن توافق پیش از این میان طرفین نهایی و برای امضا مبادله شده بود.

با این حال، پرسش اصلی این است که آثار اقتصادی چنین توافقی تا چه اندازه واقعی و پایدار خواهد بود و آیا می‌تواند به کاهش نااطمینانی‌های اقتصاد ایران، مهار تورم و تقویت رشد اقتصادی منجر شود یا اثرات آن صرفاً در سطح انتظارات باقی می‌ماند؟

وحید شقاقی شهری در گفت‌وگو با خبرگزاری خبرآنلاین تأکید می‌کند که «خبر توافق» در اقتصاد ایران می‌تواند به‌سرعت از مسیر انتظارات بر بازارها اثر بگذارد و نخستین واکنش معمولاً در بازار ارز دیده می‌شود. او می‌گوید نرخ ارز نقش لنگر اصلی انتظارات تورمی را دارد و هرگونه سیگنال کاهش تنش، ابتدا آن را تعدیل می‌کند و سپس به تورم انتظاری و بازار سرمایه سرایت می‌کند. شقاقی شهری معتقد است گشایش خارجی اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت از مسیر درآمدهای نفتی و کاهش فشار ارزی اثرگذار باشد، اما بدون اصلاحات ساختاری داخلی، این آثار پایدار نخواهد بود و اقتصاد به رشد پایدار نمی‌رسد.

مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

*آقای شقاقی شهری! آیا در شرایط فعلی اقتصاد ایران، «خبر توافق» می‌تواند به‌تنهایی نقش یک شوک اقتصادی واقعی را ایفا کند یا اثر آن صرفاً در سطح انتظارات باقی می‌ماند؟

در اقتصادهایی که با عدم‌اطمینان سیاسی و محدودیت‌های خارجی مواجه‌اند، اخبار مرتبط با کاهش تنش‌های بین‌المللی می‌تواند حتی پیش از وقوع تغییرات واقعی در متغیرهای بنیادین به‌عنوان یک شوک انتظاری عمل کند.

در اقتصاد ایران نیز تجربه دوره‌های گذشته نشان می‌دهد که «خبر توافق» یا انتشار سیگنال‌های معتبر از پیشرفت در مذاکرات ابتدا از طریق کانال انتظارات بر رفتار عاملان اقتصادی اثر می‌گذارد.

فعالان اقتصادی، خانوارها و سرمایه‌گذاران با بازنگری در پیش‌بینی‌های خود درباره آینده نرخ ارز، دسترسی به منابع ارزی و سطح تجارت خارجی، تصمیمات مصرفی، سرمایه‌گذاری و نگهداری دارایی خود را تعدیل می‌کنند. با این حال تبدیل این شوک انتظاری به یک شوک واقعی اقتصادی مستلزم تحقق اصلاحات نهادی و عملی در اقتصاد است؛ از جمله کاهش محدودیت‌های مبادلات مالی، افزایش صادرات نفت و دسترسی به منابع ارزی.

بنابراین «خبر توافق» می‌تواند به‌طور موقت موجب تعدیل قیمت دارایی‌ها و کاهش نااطمینانی شود، اما اگر به تغییرات واقعی در جریان‌های تجاری و مالی منجر نشود، اثر آن عمدتاً در سطح انتظارات باقی می‌ماند و به‌مرور تخلیه می‌شود. در نتیجه نقش خبر توافق بیشتر در ایجاد یک شوک کوتاه‌مدت انتظاری است که پایداری آن به سرعت تبدیل شدن انتظارات به تحولات واقعی بستگی دارد.

*در صورت انتشار سیگنال‌های معتبر از کاهش تنش، نخستین متغیری که واکنش نشان می‌دهد کدام است؛ نرخ ارز، تورم انتظاری یا بازار سرمایه؟

در ساختار اقتصاد ایران نرخ ارز معمولاً نخستین متغیری است که به سیگنال‌های سیاسی و ژئوپلیتیک واکنش نشان می‌دهد. دلیل این موضوع آن است که بازار ارز نسبت به اطلاعات جدید بسیار حساس است و به‌سرعت انتظارات درباره عرضه و تقاضای ارز را در قیمت‌ها منعکس می‌کند.

هرگونه نشانه از کاهش تنش‌های خارجی به‌طور مستقیم این انتظار را ایجاد می‌کند که دسترسی کشور به منابع ارزی افزایش یافته و محدودیت‌های تجاری و مالی کاهش خواهد یافت؛ در نتیجه فشار تقاضای سفته‌بازانه برای ارز کاهش می‌یابد. پس از واکنش نرخ ارز، تورم انتظاری نیز از طریق کانال انتظارات قیمتی تعدیل می‌شود، زیرا در اقتصاد ایران نرخ ارز به‌عنوان مهم‌ترین متغیر راهنمای قیمت‌ها عمل می‌کند. بازار سرمایه نیز واکنش نشان می‌دهد، اما واکنش آن معمولاً ناهمگن و وابسته به ترکیب صنایع است.

به‌طور معمول شرکت‌های صادرات‌محور ممکن است در کوتاه‌مدت با کاهش نرخ ارز با فشار قیمتی مواجه شوند، در حالی که صنایع وابسته به واردات یا مصرف داخلی از کاهش هزینه‌ها منتفع می‌شوند. بنابراین در یک ترتیب زمانی، ابتدا بازار ارز، سپس انتظارات تورمی و در ادامه بازار سرمایه واکنش نشان می‌دهند.

* آیا می‌توان انتظار داشت توافق احتمالی نقش «لنگر انتظارات تورمی» را در اقتصاد ایران جابه‌جا کند یا این نقش همچنان در اختیار نرخ ارز باقی می‌ماند؟

در اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر نرخ ارز عملاً نقش مهم‌ترین لنگر انتظارات تورمی را ایفا کرده است. علت اصلی این موضوع وابستگی بالای اقتصاد به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، سهم بالای کالاهای قابل‌مبادله در سبد مصرفی و همچنین بی‌ثباتی‌های پولی و مالی بوده است. در چنین شرایطی هرگونه تغییر در نرخ ارز به‌سرعت به سطح عمومی قیمت‌ها منتقل می‌شود و عاملان اقتصادی نیز تورم آینده را بر اساس مسیر مورد انتظار نرخ ارز پیش‌بینی می‌کنند. یک توافق خارجی می‌تواند به‌طور موقت این رابطه را تضعیف کند، زیرا کاهش ریسک سیاسی و بهبود دسترسی به منابع ارزی می‌تواند ثبات نسبی در بازار ارز ایجاد کند.

با این حال، جابه‌جایی پایدار لنگر انتظارات تورمی نیازمند اصلاحات عمیق‌تر در سیاست پولی و مالی است؛ از جمله استقلال بیشتر بانک مرکزی، انضباط بودجه‌ای و ایجاد یک چارچوب معتبر هدف‌گذاری تورم. بدون چنین اصلاحاتی، حتی در صورت توافق، نرخ ارز همچنان مهم‌ترین متغیر مرجع برای شکل‌دهی به انتظارات تورمی باقی خواهد ماند.

*در سناریوی گشایش خارجی، اثر اصلی بر اقتصاد ایران از مسیر افزایش درآمدهای نفتی خواهد بود یا از کانال بهبود نظام مالی و بانکی؟

گشایش خارجی می‌تواند از دو کانال اصلی بر اقتصاد ایران اثر بگذارد: افزایش درآمدهای نفتی و بهبود دسترسی به نظام مالی بین‌المللی. در کوتاه‌مدت احتمالاً مهم‌ترین اثر از مسیر افزایش صادرات نفت و دسترسی دولت به منابع ارزی حاصل از آن خواهد بود. افزایش درآمدهای نفتی می‌تواند ظرفیت مالی دولت را تقویت کرده، فشار بر بازار ارز را کاهش دهد و امکان تأمین واردات کالاهای اساسی و سرمایه‌ای را فراهم کند.

با این حال در افق میان‌مدت و بلندمدت، اثر پایدارتر از کانال بهبود روابط مالی و بانکی بین‌المللی حاصل می‌شود. اتصال مجدد بانک‌های داخلی به شبکه‌های پرداخت و تسویه بین‌المللی، کاهش هزینه مبادلات خارجی، تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی بین‌المللی می‌تواند ساختار تولید و تجارت را متحول کند. بنابراین اگرچه افزایش درآمدهای نفتی در کوتاه‌مدت اثر سریع‌تری دارد، اما اصلاح و عادی‌سازی روابط مالی و بانکی ظرفیت بیشتری برای ایجاد رشد پایدار اقتصادی فراهم می‌کند.

* تجربه اقتصاد ایران نشان داده که شوک‌های سیاسی ابتدا در بازارهای دارایی بروز می‌کنند؛ آیا این الگو در شرایط فعلی همچنان معتبر است؟

در اقتصادهایی که با نااطمینانی بالا مواجه‌اند، بازارهای دارایی به‌عنوان نخستین محل انعکاس شوک‌های اطلاعاتی عمل می‌کنند. در ایران نیز تجربه شوک‌های سیاسی گذشته نشان داده است که تغییرات ناگهانی در انتظارات سیاسی و ژئوپلیتیک ابتدا در بازارهایی مانند ارز، طلا، مسکن و سهام نمایان می‌شود. علت این پدیده آن است که قیمت دارایی‌ها به‌سرعت اطلاعات جدید را در خود منعکس می‌کند و سرمایه‌گذاران برای حفظ ارزش دارایی‌های خود واکنش فوری نشان می‌دهند. این الگو در شرایط فعلی نیز تا حد زیادی معتبر باقی مانده است. ساختار مالی اقتصاد ایران، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و نقش بالای دارایی‌ها در حفظ ارزش ثروت خانوارها باعث شده است بازارهای دارایی به‌عنوان مهم‌ترین کانال انتقال شوک‌های سیاسی عمل کنند. بنابراین در صورت بروز یک شوک مثبت یا منفی سیاسی، انتظار می‌رود نخستین واکنش‌ها در بازار ارز، طلا و بورس مشاهده شود و سپس با وقفه زمانی به متغیرهای واقعی اقتصاد مانند تولید و اشتغال منتقل گردد.

*در صورت تحقق توافق بدون اصلاحات داخلی، اثر آن بر رشد اقتصادی و مهار تورم تا چه اندازه پایدار و معنادار خواهد بود؟

اگر توافق خارجی بدون اصلاحات ساختاری در داخل اقتصاد تحقق یابد، اثر آن بر رشد اقتصادی و مهار تورم احتمالاً محدود و موقتی خواهد بود. تجربه دوره‌های گذشته نشان می‌دهد که گشایش خارجی می‌تواند در کوتاه‌مدت با افزایش صادرات نفت، کاهش فشار ارزی و بهبود انتظارات اقتصادی به رشد اقتصادی کمک کند. اما در غیاب اصلاحات نهادی و سیاستی، این اثرات به‌تدریج کاهش می‌یابد.

تورم در اقتصاد ایران ریشه‌های عمیقی در ناترازی‌های اقتصادی و مالی دولت، رشد بالای نقدینگی و ضعف چارچوب سیاست پولی دارد. اگر این عوامل اصلاح نشوند، حتی در شرایط دسترسی بیشتر به منابع ارزی، فشارهای تورمی در بلندمدت دوباره ظاهر خواهند شد. بنابراین توافق خارجی می‌تواند فرصتی برای ایجاد ثبات کوتاه‌مدت و کاهش نااطمینانی فراهم کند، اما پایداری دستاوردهای آن به اجرای اصلاحات داخلی در حوزه‌های مالی، پولی و ساختاری وابسته است.

* به نظر شما مهم‌ترین محدودیت اقتصاد ایران برای تبدیل یک توافق احتمالی به رشد پایدار چیست؛ عوامل خارجی یا چالش‌های ساختاری داخلی؟

اگرچه محدودیت‌های خارجی و تحریم‌ها نقش مهمی در کاهش ظرفیت رشد اقتصاد ایران داشته‌اند، اما در شرایط کنونی مساله اسرائیل در منطقه خاورمیانه و تلاشش برای بحران زایی و تسلط بر این منطقه در کنار چالش‌های ساختاری داخلی اعم از اقتصادی و سیاسی مهم‌ترین مانع تبدیل یک توافق احتمالی به رشد پایدار هستند. این چالش‌ها شامل ضعف نهادهای سیاسی، ابرچالش اعتماد و سرمایه اجتماعی، ناترازی‌های گسترده در بخش انرژی، نظام بانکی، بودجه دولت و صندوق‌های بازنشستگی، ضعف بهره‌وری در بخش تولید، محیط نامطمئن کسب‌وکار و وابستگی بالای اقتصاد به درآمدهای نفتی و سهم نازل بخش خصوصی در اقتصاد ایران است.

حتی در صورت کاهش فشارهای خارجی، اگر این مشکلات ساختاری و نهادی اصلاح نشوند، اقتصاد ایران ممکن است تنها یک دوره کوتاه از رونق ناشی از افزایش درآمدهای ارزی را تجربه کند، بدون آنکه مسیر رشد پایدار و فراگیر شکل گیرد. بنابراین توافق خارجی می‌تواند یک «فرصت» برای اقتصاد ایران ایجاد کند، اما تبدیل این فرصت به رشد پایدار مستلزم اصلاحات عمیق در سیاست‌های سیاسی و اقتصادی، بهبود حکمرانی اقتصادی و تقویت نهادهای بازار و رقابت پذیری اقتصاد ملی است.

احتمال افت شدید قیمت بسیار کم است

بازار طلا در مسیر ثبات

رئیس اتحادیه طلا و جواهر با اشاره به کاهش نسبی قیمت طلا در بازار داخلی به رغم رشد اونس جهانی گفت: اخبار مثبت اقتصادی و کاهش نرخ ارز باعث شده بازار داخلی برخلاف روند جهانی با افزایش قیمت چشمگیری مواجه نشود و احتمال افت شدید قیمت در روزهای آینده نیز پایین است.

به گزارش ایرنا، بازار طلا در روزهای اخیر تحت تاثیر همزمان سه عامل اصلی یعنی نوسانات اونس جهانی، تغییرات نرخ ارز داخلی و تحولات سیاسی مرتبط با توافقات اقتصادی قرار گرفته است.

اگرچه رشد قابل توجه قیمت جهانی طلا معمولاً زمینه افزایش نرخ‌ها در بازار داخلی را فراهم می‌کند، اما کاهش نسبی نرخ ارز و تقویت انتظارات مثبت در فضای اقتصادی، مانع از جهش قیمت‌ها در بازار ایران شده است. فعالان بازار معتقدند در شرایط فعلی، بازار طلا بیش از آنکه در مسیر نوسانات شدید قرار داشته باشد، وارد فاز ثبات نسبی شده و احتمال کاهش یا افزایش‌های بزرگ در کوتاه‌مدت پایین است؛ هرچند تحولات سیاسی و روند بازارهای جهانی همچنان نقش تعیین‌کننده خواهند داشت.

نادر بذرافشان، رئیس اتحادیه طلا و جواهر تهران درباره وضعیت بازار طلا با توجه به تحولات اخیر و توافق صورت‌گرفته توضیح داد: از هفته گذشته، بازار جهانی طلا روند نوسانی داشته است. وی افزود: روز جمعه شاهد اوج کاهش قیمت اونس جهانی بودیم، اما از روز دوشنبه روند افزایشی آغاز شد و تا روز چهارشنبه، قیمت اونس جهانی به‌صورت تدریجی افزایش یافته است. بذرافشان افزود: با وجود رشد قابل توجه اونس جهانی، بازار داخلی طلا برخلاف انتظار با افزایش متناسب قیمت مواجه نشد. در حالی که قیمت جهانی طلا رشد محسوسی را تجربه کرده، در بازار داخلی حتی شاهد کاهش نسبی قیمت‌ها نیز بودیم. این موضوع تحت تاثیر چند عامل رخ داده است. بخشی از آن به کاهش قیمت ارز در بازار داخلی بازمی‌گردد و بخش دیگر نیز ناشی از اخبار مثبت اقتصادی، به‌ویژه در ارتباط با موضوع توافقات اخیر است. این عوامل موجب شد اثر افزایش اونس جهانی در بازار داخلی تا حد زیادی خنثی شود. بذرافشان تصریح کرد: در حال حاضر قیمت‌ها در بازار داخلی در محدوده‌ای نسبتاً باثبات قرار دارد و با وجود نوسانات جهانی، بازار داخلی واکنش هیجانی نشان نداده است. همین موضوع نشان می‌دهد که بازار در شرایط متعادل‌تری نسبت به گذشته قرار گرفته است. وی درباره چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار گفت: پیش‌بینی من این است که تا پایان هفته نوسان قابل توجهی در بازار نداشته باشیم. درباره هفته آینده هنوز کمی زود است که با قطعیت نظر بدهیم، زیرا باید روند بازار جهانی از روز جمعه به بعد، شرایط نرخ ارز در داخل، میزان عرضه و تقاضا و همچنین تحولات سیاسی را بررسی کنیم.

بذرافشان خاطر نشان کرد: این عوامل همگی در میزان نوسانات هفته آینده نقش خواهند داشت و می‌توانند جهت بازار را مشخص کنند. با این حال، احتمال کاهش شدید قیمت‌ها را بسیار پایین می‌دانم. به نظر من، نوسانات طبیعی در محدوده یک تا سه درصد ممکن است رخ دهد که در بازار طلا امری عادی است، اما کاهش یا افزایش‌های سنگین در شرایط فعلی دور از انتظار به نظر می‌رسد.

بذرافشان در پایان درباره وضعیت خرید در بازار در پایان خاطر نشان کرد: با توجه به شرایط فعلی، اعتقاد دارم مردم می‌توانند با اطمینان بیشتری نسبت به خرید اقدام کنند، زیرا احتمال کاهش قابل توجه قیمت‌ها در کوتاه‌مدت بسیار کم است.

اخبار

سرنوشت پول در بازار سهام چه می‌شود؟

سرمایه‌گذاری در بورس تهران؛ فرصت طلایی یا تله سرمایه‌گذاران؟

شاخص کل بورس از ابتدای سال تاکنون حدود ۳۹ درصد رشد داشته و میانگین بازدهی صندوق‌های اهرمی در سال جاری حدود ۷۹ درصد بوده است.

به گزارش تسنیم، بررسی آمار معاملات نشان می‌دهد شاخص کل بورس تهران از ابتدای سال تاکنون حدود ۳۹ درصد رشد کرده است. همچنین در این مدت شاخص هم‌وزن که نماینده عملکرد کلی‌تر شرکت‌های کوچک و متوسط بازار است، بازدهی ۴۲ درصدی را به ثبت رسانده است. با این حال، صندوق‌های اهرمی در همین بازه زمانی عملکردی بالاتر از شاخص‌های اصلی بازار داشته‌اند.

بر این اساس، میانگین بازدهی صندوق‌های اهرمی در سال جاری حدود ۷۹ درصد بوده است؛ رقمی که بیش از دو برابر رشد شاخص کل بورس محسوب می‌شود. البته عملکرد این صندوق‌ها یکسان نبوده و تنها چهار صندوق توانسته‌اند بالاتر از میانگین این گروه بازدهی ایجاد کنند.

البته رشد صندوق‌های اهرمی همزمان با افزایش ورود نقدینگی به بازار سهام رخ داده است. جایی که در معاملات اخیر، حدود ۶۲ میلیارد تومان پول حقیقی وارد سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی شده و مجموع ورود پول حقیقی‌ها از ابتدای سال از مرز ۷۷ هزار میلیارد تومان عبور کرده است.

از سوی دیگر، ارزش معاملات خرد بازار سهام هم در این مدت نیز همچنان در سطوح بالایی قرار دارد و در آخرین روز معاملاتی هفته به حدود ۳۶ هزار میلیارد تومان رسید؛ موضوعی که نشان می‌دهد گردش نقدینگی در بازار سهام افزایش یافته است.

کارشناسان بازار سرمایه معتقدند رشد صندوق‌های اهرمی در شرایط صعودی بازار نشان‌دهنده افزایش استقبال سرمایه‌گذاران از ابزارهای نوین مالی است. با این حال، به دلیل ماهیت اهرمی این صندوق‌ها، میزان ریسک آنها نیز نسبت به صندوق‌های سهامی معمولی بالاتر است و انتخاب آنها نیازمند توجه به میزان ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران است.

عملکرد سال جاری صندوق‌های اهرمی بار دیگر اهمیت توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در بازار سرمایه را نشان داده است؛ ابزارهایی که می‌توانند مسیر ورود سرمایه‌گذاران مختلف به بورس را متنوع‌تر کنند و نقش بیشتری در تعمیق بازار سهام ایفا کنند.

رجبی‌مشهدی از دیدار دوجانبه با وزیر انرژی روسیه خبر داد

معاون برق و انرژی وزارت نیرو در حاشیه اجلاس وزرای انرژی سازمان همکاری شانگهای از دیدار دوجانبه با وزیر انرژی روسیه خبر داد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از وزارت نیرو، مصطفی رجبی‌مشهدی معاون برق و انرژی وزارت نیرو در حاشیه اجلاس وزرای انرژی سازمان همکاری شانگهای، از دیدار دوجانبه با وزیر انرژی روسیه خبر داد

به گفته وی، در این دیدار طرف روسی اعلام کرد که متخصصان این کشور برای تسریع در احداث فازهای ۲ و ۳ نیروگاه اتمی ایران به‌زودی با سرعت بیشتری در ایران مستقر خواهند شد تا روند اجرای پروژه ادامه پیدا کند.

رجبی‌مشهدی همچنین به گفت‌وگوها درباره اتصال الکتریکی ایران و روسیه از مسیر آذربایجان اشاره کرد و گفت طرف روسی با این طرح موافقت کرده و قرار شد مباحث فنی و نحوه همکاری سه کشور در این زمینه در ادامه پیگیری شود.

معاون برق و انرژی وزارت نیرو افزود: در حوزه انتقال گاز نیز، با توجه به آسیب‌هایی که به زیرساخت‌های گازی وارد شده، طرف روسی آمادگی خود را برای همکاری اعلام کرد و مقرر شد نیازمندی‌های ایران به‌صورت رسمی در این حوزه و سایر بخش‌های مرتبط برای طرف روسی ارسال شود تا همکاری‌ها به نتایج عملی برسد.

فاصله اهداف برنامه هفتم با واقعیت

برق ایران روی لبه ناترازی

برق به یکی از گلوگاه‌های رشد اقتصادی ایران تبدیل شده است. در حالی که صنایع بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق کشور هستند، عقب‌ماندگی توسعه نیروگاهی نسبت به اهداف برنامه هفتم می‌تواند در سال‌های آینده فشار بیشتری بر تولید، سرمایه‌گذاری و رفاه خانوارها وارد کند.

به گزارش اکوایران، زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا در جنگ ۴۰روزه تهدید حمله به نیروگاه‌های برق کشور را مطرح کرد، امری که در صورت تحقق یک جنایت جنگی تلقی می‌شد، بسیاری از مردم و دلسوزان ایران نگران زیرساخت‌های انرژی و برقی کشور شدند. همان افراد سال‌هاست در رابطه با استهلاک نیروگاه‌های برق و عدم توانایی این نیروگاه‌ها برای تامین نیاز فزاینده مردم و صنایع هشدار می‌دهند.

با همه این‌ها به‌نظر می‌رسد که وضعیت تامین برق در سال گذشته کمی بهتر شده است؛ موضوعی که مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «پایش شاخص‌های کلان بخش برق: سال ۱۴۰۴» به آن پرداخته است.

براساس قانون برنامه هفتم پیشرفت، هدف‌گذاری‌های در جهت بهبود وضعیت ناترازی برق کشور انجام شده است. اهداف این قانون شامل افزایش ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها به میزان ۱۲۴ هزار مگاوات بوده که ۱۲ هزار مگاوات آن توسط نیروگاه‌های تجدیدپذیر و یک هزار و ۶۳۲ مگاوات تراز مثبت است. این‌ها درحالی است که در تابستان سال ۱۴۰۴ این تراز به منفی ۱۴ هزار و ۷۵۰ مگاوات رسیده بود؛ امری که نشان‌دهنده فاصله واقعیت با اهداف تعیین شده در برنامه هفتم است.

البته در سال گذشته حدود ۴ هزار و ۳۰۰ مگاوات ظرفیت نیروگاهی جدید به کشور اضافه شده که بخش عمده‌ی آن توسط نیروگاه‌های خورشیدی بوده است؛ از همین‌رو انتظار می‌رود تا در تابستان پیش‌رو ناترازی بین تقاضا و تامین برق نسبت به سال ۱۴۰۴ کاهش یابد.

براساس گزارش بازوی پژوهشی مجلس، میزان تحقق اهداف برنامه در بخش برق در سال ۱۴۰۴، در برخی شاخص‌ها مثل سهم معاملات برق در بورس و ظرفیت اسمی نیروگاه‌های تجدیدپذیر قابل قبول بوده و عملکردی بیش از ۹۰ درصد ثبت کرده است. در مقابل در برخی شاخص‌ها مانند تبادلات برون‌مرزی برق و بار تامین نشده در اوج تقاضا عملکرد آن مطلوب نبوده است؛ به‌طوری که درصد تحقق کمتر از ۲۵ درصد داشته‌اند. به صورت کلی عملکرد وزارت نیرو در دستیابی به اهداف برنامه هفتم نشان می‌دهد که در سال دوم برنامه، به‌طور متوسط حدود ۴۱ درصد از اهداف تعیین شده برای این مقطع زمانی محقق شده است. با این‌وجود در مقایسه با اهداف نهایی برنامه در پایان دوره درحدفاصل سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷ میزان تحقق حدود ۱۳ درصد بوده است.

تشدید ناترازی برق در سال‌های آینده

بررسی‌ها نشان می‌دهد که براساس اهداف تعیین شده در قانون برنامه هفتم پیشرفت، حداکثر توان تولید برق در زمان اوج بار در سال پایانی برنامه باید به ۸۷ هزار و ۱۴۰ مگاوات و در سال دوم برنامه که سال ۱۴۰۴ می‌شود به ۷۶ هزار و ۱۹۱ مگاوات برسد. با این‌وجود در سال گذشته حداکثر توان تولید برق در زمان اوج بار در سال گذشته برابر با ۶۲ هزار و ۷۵۱ مگاوات بوده که با اهداف برنامه هفتم فاصله دارد. بنابراین به زبان دقیق‌تر میزان تحقق اهداف برنامه در پایان سال دوم برنامه معادل ۱۳٫۸ درصد بوده است.

از طرف دیگر براساس قانون برنامه هفتم، ظرفیت اسمی نصب‌شده در پایان برنامه باید به ۱۲۴ هزار و ۴۸۵ مگاوات برسد. اگر این هدف را در مقیاس هر سال ارزیابی کنیم، تا پایان سال ۱۴۰۴ ظرفیت باید به ۱۰۴ هزار و ۷۸۲ مگاوات می‌رسید. اما کل ظرفیت نیروگاهی که از ابتدای برنامه به شبکه برق کشور اضافه شده معادل ۶ هزار و ۵۷۳ مگاوات است و این به معنای آن است که عملکرد قانون برنامه در دو سال اول اجرا برابر با ۵۱٫۳ درصد باشد که همین موضوع می‌تواند به تشدید ناترازی میان تقاضا و تولید برق در سال پیش‌رو و سال آینده منجر شود.

بررسی وضعیت مصرف برق در کشور

میزان مصرف برق کشور در سال ۱۴۰۴ معادل ۳۴۶ میلیارد کیلووات ساعت بوده است. براساس آمار بخش صنعت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده برق بوده و ۳۵ درصد از کل مصرف برق را به خود اختصاص داده است. بخش خانگی از سوی دیگر با ۳۱٫۸ درصد در رتبه دوم قرار دارد. همچنین بخش‌های کشاورزی و عمومی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

براساس آنچه در قانون برنامه هفتم پیشرفت ذکر شده، نیاز مصرف برق در زمان اوج بار باید تا پایان برنامه به حداکثر ۸۵ هزار و ۵۰۸ مگاوات و در پایان سال دوم برنامه به حداکثر ۷۶ هزار و ۹۳۳ مگاوات می‌رسید. برآوردها حاکی از آن است که نیاز مصرف اوج بار در سال ۱۴۰۴ به ۷۷ هزار و ۴۹۷ مگاوات رسیده که فاصله کمی با هدف برنامه دارد و مطلوب ارزیابی شده است.

مقایسه اختلاف حداکثر تولید و تقاضا در زمان اوج بار در سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که ارقام گزارش شده برای ناترازی برق در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۳ کاهش یافته، اما بررسی میزان خاموشی اعمال شده به مشترکان در دو سال اخیر بیانگر این امر است که مقدار خاموشی اعمال در واقعیت افزایش یافته است. بنابراین به‌نظر می‌رسد برآورد میزان تقاضای برق در زمان اوج در یکی از دو سال اخیر با واقعیت همخوانی نداشته است.

شکنندگی امنیت انرژی در ایران

امنیت انرژی یکی از مهم‌ترین موضوعات در بحث‌های اقتصادی و حکمرانی محسوب می‌شود و شاخص امنیت انرژی از استقلال از واردات انرژی، ذخیره‌سازی انرژی و تنوع در سبد تولید برق تشکیل شده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که تهیه کرده به مسئله تنوع در سبد تولید برق پرداخته که یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت انرژی را نمایندگی می‌کند. شاخصی که این نهاد برای ارزیابی سبد تولید برق ایران از آن بهره گرفته شاخص شانون-وینر است. برآوردها نشان می‌دهد که مقدار این شاخص در ایران در سال گذشته ۳۸٫۵ درصد بوده که در تقسیم‌بندی ضعیف محسوب می‌شود. همچنین روند این شاخص از سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ نشان می‌دهد که تغییرات آن نوسانی اما محدود بوده است. اینکه این شاخص در سطوح پایینی قرار دارد عمدتا به علت وابستگی قابل‌توجه تولید برق در کشور به منابع غالب به ویژه گاز طبیعی است؛ در مواردی که شاخص تنوع در سبد تولید برق افزایش‌هایی را تجربه می‌کند نیز این امر به دلیل افزایش استفاده از نفت به عنوان خوراک است؛ بنابراین نمی‌توان افزایش‌های محدود شاخص شانون-وینر در ایران را به عنوان بهبود تلقی کرد. از همین‌رو به‌طور کلی سطح تنوع سبد تولید برق همچنان در وضعیتی شکننده باقی‌مانده است.